

*Russia and European Security Institutions: Entering the 21st Century*, Editor:

Dimitri Trenin

کتاب روسیه و نهادهای امنیتی اروپا: ورود به قرن بیست و یکم، مجموعه مقالات برخی از محققین سیاسی روسیه می باشد که توسط مرکز کارنگی مسکو انتشار یافته است. مطالعه کتاب به جهت آشنایی با دیدگاههای موجود در روسیه نسبت به همکاری روسیه با اروپا و مشارکت این کشور در نهادهای اروپا- آتلانتیک مفید است. در این کتاب طیف گسترده‌ای از موضوعات شامل همکاری سیاسی و نظامی روسیه با اروپای غربی، دیدگاههای مختلف در خصوص گسترش ناتو، استراتژی ضد بحران ناتو و نقش روسیه در آن، نقش مرکزی تسلیحات هسته‌ای در سیستم امنیت اروپایی و اهمیت تسلیحات متعارف در فضای پس از جنگ سرد مورد بحث قرار گرفته است، که به لحاظ طرح مسائل موجود در روابط روسیه با اتحادیه اروپا مهم است.

مقدمه و مؤخره کتاب را دیمیتری ترنین معاون مرکز کارنگی نوشته است، که وظیفه دبیری و تدوین این مجموعه را نیز برعهده داشته است. وی در مقدمه، اهداف چاپ این مجموعه را یافتن طرق و ابزار ساخت روابط روسیه با اروپا در میان مدت، از طریق شراکت با نهادهای اصلی اروپا- آتلانتیک و بررسی دیگر فرصت‌ها و مشکلات مؤثر بر همکاری روسیه با نهادهای اروپا- آتلانتیک در سطوح مختلف و با توجه به ابعاد امنیتی مختلف برشمرده است. عناوین سرفصلهای کتاب به شرح ذیل است:

## فصل اول - روسیه و اتحادیه اروپا: استراتژی همگرایی

۱. استراتژی مشترک اتحادیه اروپا نسبت به روسیه در چارچوب سیستم سیاسی

اتحادیه اروپا،

۲. نهادینه کردن روابط روسیه و اروپا: دیدگاه کلی،

۳. تصورات استراتژیک روسیه و اتحادیه اروپا در مورد شراکت متقابل،

۴. روابط تجاری و اقتصادی اتحادیه روسیه و اتحادیه اروپا،

۵. زمینه‌های همکاری: مقایسه رهیافت‌های روسیه و اتحادیه اروپا.

## فصل دوم - گسترش اتحادیه اروپا و ملاحظات امنیتی روسیه

۱. گسترش اتحادیه اروپا: دورنما و مشکلات،

۲. گسترش اتحادیه اروپا و امنیت اقتصادی روسیه،

۳. گسترش اتحادیه اروپا و همکاری منطقه‌ای،

۴. گسترش اتحادیه اروپا و امنیت نظامی روسیه.

## فصل سوم - روندهای کلی در پرورش سیاست امنیتی و خارجی اتحادیه اروپا و

اتحادیه اروپای غربی (WEU)

۱. معاهده ماستریخت اتحادیه اروپا و وظایف پترزبورگ WEU،

۲. معاهده آمستردام: نهادینه‌تر شدن «سیاست مشترک امنیتی و خارجی» (CFSP)،

۳. چالش سیاسی به کارایی CFSP

۴. اجلاس سران هلسینکی: از CFSP تا یک سیاست مشترک دفاعی و امنیتی اروپایی،

۵. اتحادیه اروپا و روسیه: CFSP به‌عنوان ابزار شراکت استراتژیک یا جنگ سرد جدید.

## فصل چهارم - گسترش ناتو به شرق به مثابه مشکل امنیتی روسیه و اروپا

۱. سه وجه استراتژی گسترش ناتو،

۲. دلایل تاریخی برای گسترش ناتو،

۳. مراحل گسترش ناتو به شرق،

۴. محورهای اصلی و جهت‌های گسترش ناتو.

۵. گسترش ناتو به‌مثابه تهدیدی برای امنیت روسیه: تکاپوی روسیه برای یافتن یک

استراتژی.

فصل پنجم - روسیه و استراتژی مدیریت بحران دوران پس از جنگ سرد ناتو

۱. استراتژی و اجرای استراتژی مدیریت بحران ناتو در دهه ۱۹۹۰،

۲. وضعیت کلی روابط روسیه و ناتو قبل از بحران کوزوو،

فصل ششم - روسیه و سازمان امنیت و همکاری اروپا، احتمال واقعی و ذهنی برای

همکاری

۱. OSCE/OSCE: مراحل توسعه،

۲. روسیه و OSCE: انتظارات بزرگ،

۳. تجربه OSCE: واقعیت در برابر تصورات.

فصل هفتم - نقش تسلیحات هسته‌ای در وضعیت روابط روسیه و نهادهای امنیتی

اروپا

۱. نقش تسلیحات هسته‌ای پس از جنگ سرد،

۲. نقش تسلیحات هسته‌ای در سیستم امنیتی اروپا،

۳. نقش تسلیحات هسته‌ای در امنیت روسیه،

۴. همکاری بین روسیه و کشورهای اروپایی در عدم‌اشاعه تسلیحات کشتار جمعی، خلع

سلاح، کنترل تسلیحات و توسعه فرهنگ امنیتی.

فصل هشتم - همکاری بین اروپا و سازمانهای امنیتی اروپا در زمینه کنترل تسلیحات

متعارف

۱. تحدید تسلیحات متعارف در چارچوب سازمان امنیت و همکاری اروپا،

۲. اقدامات اعتماد و امنیت‌سازی،

۳. معاهده آسمان‌های باز.

در فصل اول، به استراتژی‌های مختلف در مورد روابط روسیه و اتحادیه اروپا اشاره شده است. در این فصل تأکید شده که اتحادیه اروپا به عنوان تهدیدی برای منافع روسیه محسوب نمی‌شود، زیرا که هنوز در صدر فهرست تهدیدات نسبت به موجودیت کشور روسیه، عوامل سیاسی و نظامی قرار دارند. مضاف بر آن تجربه همگرایی اتحادیه اروپا به عنوان یکی از مدل‌های بالقوه برای حل مشکلات همگرایی فیما بین کشورهای CIS تلقی می‌شود. با این وجود، نویسندگان معتقد است که روسیه واقعیات سیاسی و نهادی اتحادیه اروپا و خصوصاً ماهیت فراملی آن را درک نکرده است. سند استراتژی مشترک منعقد بین روسیه و اتحادیه بیشتر سیاسی است، زیرا اجرای آن بستگی تام به اراده سیاسی طرفین دارد. استراتژی مشترک منعکس‌کننده دستور تمام تلاش‌ها (از جمله مساعی روسیه) برای قرارداد کشورهای غربی اتحادیه در مقابل ناتو را بی‌ثمر می‌نماید. نویسندگان اشاره نموده است که نهادهای دفاعی اروپا تمایل کمتری به دیالوگ با روسیه نسبت به شرکای آمریکایی‌شان داشته و تأکید می‌نماید که حضور با معنا و باثبات روسیه در اروپا در یک چارچوب مفهومی «اروپا تا بندر ولادی‌وستک» (در خاور دور آسیا) تنها در صورت مشارکت آمریکا و کانادا میسر است. نویسندگان با توجه به شرایط حاضر پیشنهاد نموده است که روسیه می‌بایست سیاست‌های مصلحت‌طلبانه تری نسبت به اروپا اتخاذ نماید.

در فصل چهارم، توسعه ناتو از سه منظر: گسترش مأموریت، توسعه حوزه مسئولیت و افزایش اعضا مورد بحث قرار گرفته است. با وجود آنکه مورد آخر عموماً تنها مشکلی منطقه‌ای محسوب شده که تنها روسیه را متأثر می‌کند، طرح‌های گسترش مأموریت و حوزه مسئولیت ناتو مشکلاتی را هم برای اروپا و هم سایر کشورهای جهان ایجاد می‌نماید. در این فصل با تمرکز بر مباحث سیاست داخلی در روسیه و آمریکا، در مورد موضوع گسترش ناتو، دلایل مهم تاریخی برای توسعه ناتو از جمله بحران هویت و تهدید علیه موجودیت آن در اوایل دهه ۱۹۹۰، اختلافات

اروپا- آتلانتیک‌گرایان با برداشت‌های نوین انزواگرایانه، افزایش نفوذ لابی کشورهای اروپای مرکزی و شرقی و چرخش در تلقی جوامع غربی نسبت به روسیه مورد سخن رفته و گفته شده است که در واقع نخبگان اروپا- آتلانتیک‌گرای روسیه همچون عاملی در فاز اول گسترش ناتو به حساب می‌آیند. تصور از ناتو به‌عنوان یک نهاد تمدن غربی، مسکورا بر سر دوراهی هدف آرمانی عضویت در ناتو با قبول کاهش موقعیت این کشور و یا شناسایی روسیه به‌عنوان کشوری نه غربی و نه شرقی (اورآسیا) فرار داده است.

در فصل پنجم، توسعه ناتو در مناطق دارای اهمیت استراتژیک برای روسیه، ماهیت و توان استراتژی مدیریت بحران و عملیات ناتو، هم‌از منظر روابط مسکو با ناتو و هم به لحاظ منافع امنیتی روسیه، از آنجایی که این کشور با مناقشات و بحران‌های متعددی در مناطق هم‌جوار خود روبرو می‌باشد، مطالعه شده است. بحران کوزوو نشان داد که علی‌رغم کار سیاسی جاه‌طلبانه تحول سیاسی در اتحادیه بوده و رهیافت محافظه کارانه‌ای برای توسعه مناسبات با روسیه می‌باشد. به عبارت دیگر موفقیت و یا شکست استراتژی مشترک اتحادیه شاخص اقبال این نهاد برای تبدیل به یک بازیگر قدرتمند در عرصه سیاست جهانی می‌باشد.

در فصل دوم اشاره شده که اتحادیه اروپا چه در وضعیت حاضر و چه در صورت گسترش آن تهدیدی برای امنیت روسیه محسوب نمی‌شود. نویسنده این فصل معتقد است که تقسیم‌کار در اروپا (صنایع تکنولوژی‌بر و پروژه‌های تحقیقات بر در کشورهای اصلی اتحادیه اروپا، تخصص‌گرایی صنعتی با استفاده از مواد خام در کشورهای اروپای مرکزی و شرقی، و مسئولیت ارائه مواد خام و منابع انرژی به روسیه) طبیعی است و براساس واقعیات توزیع منابع و تسهیلات صنعتی به مصرف‌کنندگان صورت گرفته است. از این منظر نمی‌توان آن را به منزله استعمار روسیه با استفاده از ابزار اقتصادی تلقی کرد. البته این نوع ترتیبات لزوماً به نفع روسیه نیست. توصیه نویسنده یافتن آلترناتیوهایی در جهت تدوین یک سیاست عاری از مناقشه در رابطه با روسیه، تضمین کمک اروپا به پیگیری اصلاحات بازار آزاد، پیشگیری از فرار سرمایه و ترسیم یک

چهره مثبت از روسیه در جهان است. پاسخ مسکو به توسعه اتحادیه احتمالاً به موفقیت پیشرفت اهداف فوق بستگی دارد.

در فصل سوم، به طور مختصر سابقه همگرایی نظامی و سیاسی در اروپای غربی که نتیجه آن نهادینه شدن سیاست مشترک دفاعی و خارجی اتحادیه اروپا بوده و برخی از مشکلات کلیدی عملیات CFSP، همچون هماهنگی ضعیف در میان نهادهای مختلف و نیز اختلافات در رابطه با گسترش اتحادیه اروپا (به عنوان مثال رهیافت کشورهای اروپای مرکزی و شرقی نسبت به مفهوم شراکت استراتژیک بین اروپا و روسیه با خوشبینی کمتری نسبت به اعضای باسابقه اتحادیه همراه است) مورد بحث قرار گرفته است. نتیجه فرمول بندی های متعدد CFSP ایجاد یک سیستم هماهنگ دفاعی و امنیتی اروپا است، که بنیان آن ناتو می باشد. در عین حال اتحادیه اروپا پتانسیل عملیاتی خود را در هنگامی که پروسه همگرایی در بین کشورهای غربی اتحادیه، لزوم حذف عوامل اضافی را ایجاد کند، ایجاد نموده است. بنابر نظر نویسنده ماهیت دوگانه کشورهای اروپای غربی به عنوان عناصر دفاعی اتحادیه و به عنوان ابزار تقویت محور اروپایی ناتو ضعف آشکار اقتصادی و نسبی نظامی و سیاسی روسیه هنوز یک عامل اساسی برای ثبات و امنیت جهان و بویژه اروپا محسوب می شود، و در شرایطی می تواند به غرب در یافتن اهداف استراتژیک خود کمک و یا برای تحقق این اهداف و توازن سازنده اقدامات ناکافی و یا متجاوزکارانه ناتو در اروپا مانع ایجاد کند. نقش ویژه روسیه در پایان دادن جنگ ناتو علیه یوگسلاوی نه تنها مبین خطرات بالقوه، بلکه همچنین از منظر امنیت اروپا، امتیاز داشتن قدرت سیاسی و نظامی در اروپا در خارج از چارچوب ناتو می باشد.

در فصل ششم، روابط سازمان همکاری و امنیت اروپا (OSCE) با روسیه بررسی شده است. نگارنده مقاله دیدگاههایی که از یک طرف معتقدند OSCE به عنوان محلی برای مباحثات، که فاقد کفایت عملی در زمینه امنیت اروپا می باشد و از طرف دیگر آن را به عنوان آلترناتیوی برای ناتو در درون نهادهای رو به گسترش امنیت اروپا تلقی می کنند، رد می نماید.

ولی متذکر می‌شود که این سازمان ممکن است به اتخاذ برخی سیاستها که با اهداف سیاسی روسیه در حوزه اروپا - آتلانتیک مغایرت داشته باشد، کمک کند. به‌عنوان مثال، فعالیت‌های OSCE در ابعاد انسانی، صلح‌بانی و بازسازی بعد از منازعه ممکن است در جهت اهداف برخی از سازمانهای بین‌المللی و یا گروهی از کشورها باشد، که در مقطع زمانی خاصی دارای مواضع درون OSCE هستند و از اقتدار بالایی برخوردارند، اما نسبت به حفظ منافع روسیه در اروپا بی‌اعتنا هستند. با این حال، ظرفیت نهادی OSCE می‌تواند در موارد خاصی برای حمایت از منافع روسیه در جایی که سایر ابزارهای دیپلماسی ناکارآمد و یا غیر مؤثر هستند، به کار آید و توصیه شده است که روسیه باید منافع خود را از طریق تحکیم مواضع در درون سازمان و افزایش حضور خود در مأموریت‌های OSCE و نهادهای وابسته به آن افزایش دهد.

در فصل هفتم تأکید شده که علی‌رغم کاهش امنیت تسلیحات هسته‌ای در روابط بین‌الملل و با وجود کاهش زرادخانه استراتژیک آفندی روسیه و آمریکا، عنصر هسته‌ای همچنان نقش مهمی را درون سیستم اروپا ایفا می‌کند. اگرچه نهادهای اروپایی در اتخاذ سیاستهای هسته‌ای نقش اصلی را ندارند، لیکن پایان جنگ سرد این مباحثات را در دستور کار آنها در رابطه با روسیه قرار داده است. با این حال، فاز انتقالی اخیر در تحول نگرش ناتو، به همراه دیالوگ هسته‌ای بین روسیه و آمریکا، چارچوب طبیعی احتمالات یک دیالوگ سیاسی مهم بین روسیه و اروپا در مورد مباحث هسته‌ای را تعیین نموده است. کشورهای اروپای غربی هنوز نسبت به گسترش بالقوه تکنولوژی‌هایی در رابطه با تسلیحات کشتار جمعی روسیه نگرانند و نسبت به تداوم همکاری با مسکو در زمینه امنیت هسته‌ای و کمک به این کشور برای امحاء تسلیحات فوق‌علاقمند هستند. در ضمن پیش‌بینی شده است که این کمکها می‌تواند در سالهای آینده منجر به برنامه مشابه برنامه نان‌لوگار آمریکا برای کمک به تحدید تسلیحات روسی در زمینه فوق شود.

نگارنده در فصل هشتم کتاب معتقد است که با توجه به فضای بعد از جنگ سرد، که بازدارندگی هسته‌ای دیگر قادر به پیشگیری مناقشات خونین در قلب اروپا نمی‌باشد، تسلیحات

و نیروهای متعارف اهمیت فوق‌العاده‌ای یافته است. در این فصل با اشاره به نقش مهم نهادهای بین‌المللی چندجانبه در زمینه تسلیحات متعارف، بر نقش برجسته OSCE در کنترل تسلیحات هسته‌ای در اروپا، در پرورش و حفظ معاهده نیروهای متعارف در اروپا (CFE)، و در تطبیق معاهده با واقعیت‌های به سرعت در حال تغییر، تأکید شده است. معاهده اصلاح‌شده CFE که در اجلاس سران OSCE در سال ۱۹۹۹ در استانبول به امضا رسید، عموماً منعکس‌کننده مواضع روسیه برای افزایش نیروها در مناطق حاشیه‌ای این کشور می‌باشد. در عین حال محدودیت‌های معاهده با تعهدات سیاسی ناتو برای عدم استقرار نیرو در کشورهای جدیدالعضو آن سازمان تکمیل شده است. نویسنده تأکید می‌کند که مناقشات بین‌المللی در سالهای اخیر (چون مسئله قره‌باغ و کوزوو) نتوانسته‌اند در رژیم موجود بین‌المللی CFE خلل ایجاد کند، و در واقع مؤید کارآیی و نفوذ باثبات آن بوده است.

در مؤخره کتاب آترناتیوهای مختلف روسیه در پاسخ به چالش اروپا مورد بحث قرار گرفته و عنوان شده که نزدیکی با اروپا و پیش از همه هسته همگرای آن، کمیسیون اروپا طبیعی و در جهت منافع روسیه می‌باشد. اما با هشدار نسبت به اقدامات تعجیل‌آمیز و انتظارات زیاد، توصیه شده است که اروپا و روسیه به‌طور سیستماتیک از طریق اقدامات معین در ابعاد مشترک همچون اقتصادی، حقوقی، زمینه‌های اجتماعی، انرژی، حمل و نقل و غیره به یکدیگر نزدیک شوند و این نزدیکی به تدریج به حوزه‌های سیاست خارجی و امنیتی کشیده شود. پروژه اروپایی روسیه به‌طور منطقی، ملهم از تغییر و تحولات داخلی جامعه روسیه و دولت می‌باشد که زاویه سیاست خارجی آن در اولویت دوم قرار دارد. به عبارت دیگر جهت‌گرایی به سوی اروپا منبع محرک دیگری برای ایجاد اصلاحات در روسیه تلقی می‌شود و لذا از نظر جامعه روشنفکران روسیه و به عبارت دیگر بسیاری از نخبگان سیاسی، اقتصادی، مالی و فکری این کشور، آینده روسیه در همگرایی با اروپا قرار دارد.

سفارت جمهوری اسلامی ایران - مسکو